چه زمانی یک عدم تعادل بالقوه
به عنوان یک ناحیه مورد تایید قرار می‌گیرد

۱۳۹۹-۱۴۰۰

چه زمانی یک عدم تعادل بالقوه به عنوان یک ناحیه مورد تایید قرار می‌گیرد؟

قبل از اینکه این درس را شروع کنیم می‌خواهم به شما هشدار بدهم که در این درس با مباحث و منابعی مواجه می‌شوید که هنوز یاد نگرفته‌اید و این مباحث تنها درصورتی برای شما قابل درک خواهد بود که درس‌های بعدی این دوره را نیز بیاموزید. متاسفانه تدریس مباحث به ترتیب کامل امکان پذیر نیست. از این رو مباحثی را که در درس‌های آینده تدریس خواهم کرد را با این علامت * نشانه‌گذاری کرده‌ام به‌گونه‌ای که شما اطمینان خاطر داشته باشید و سردرگم نشوید.

همانطورکه ممکن است از بخش مقدمه‌ی کلاس به یاد داشته باشید در آن‌جا توضیح دادم که شما نیاز دارید تا درس‌ها و دوره را چندین مرتبه مرور کنید تا بتوانید مطالب را کاملا درک کنید.

بنابراین اگر که تازه شروع کرده‌اید لطفا سردرگم نشوید و سعی کنید مباحث را به همان شکلی که ارائه می‌شوند درک کنید و برروی درس‌های علامت‌گذاری شده که ممکن است شما را سردرگم کنند تمرکز نکنید. در آینده زمانی که دوره را به‌صورت کامل به پایان برسانید و برای مرتبه دوم مطالب را مرور کنید خواهید دید که مباحث برای شما خیلی شفاف و روشن خواهد بود. درنهایت تا زمانی که همه‌چیز از جمله قسمت‌های علامت‌گذاری شده را به طور کامل درک نکرده‌اید ترید لایو انجام ندهید. و زمانی هم که در محیط دمو تمرین می‌کنید اگر که آموخته های شما کار نکرد و جواب نداد دلسرد نشوید زیرا یادگیری قسمت‌های علامت‌گذاری شده برای آن که یک تصویر کامل در ذهن شما شکل بگیرد ضروری است!

یک حرکت ایمپالس[1] خواه صعودی باشد یا نزولی، صرفا یک ناحیه عرضه یا تقاضای بالقوه محسوب می‌شود. همه‌ی عدم‌تعادل‌ها از ایمپالس‌ها ایجاد شده‌اند اما همه‌ی ایمپالس‌ها لزوما عدم‌تعادل نیستند. گاهی اوقات ممکن است ایمپالس‌ها به عنوان یک ناحیه عرضه یا تقاضای تایید نشده قلمداد شوند. مفهوم تفاوت قائل شدن بین عدم‌تعادل‌ها و ناحیه عرضه/تقاضای معتبر در متدولوژی Set & Forget بصورت منحصربه‌فرد بیان شده است.

در این درس شما خواهید آموخت که چگونه یک ایمپالس را به عنوان یک ناحیه عرضه یا تقاضای معتبر (عدم‌تعادل) تایید کنید.

مهم: من قصد دارم تا عبارت زیر را برای شما کاملا شفاف سازم. داشتن یک عدم تعادل تایید شده لزوما به این معنی نیست که ما می‌توانیم از آن برای طرح ریزی و انجام یک ترید استفاده کنیم! به بیان دیگر، تحت هیچ شرایطی نباید یک ترید را صرفا براساس اطلاعاتی که تاکنون از این دوره بدست آورده‌اید و با تحلیل کردن تنها یک تایم فریم انجام دهید. در درس‌های آینده تکه‌های بیشتری از این پازل را در کنار یکدیگر قرار خواهید داد، یکی از این تکه‌های گم‌شده قابل ترید بودن یک سطح می‌باشد.

یک عدم‌تعادل بالقوه تحت دو سناریو می‌تواند شکل بگیرد.

هم عدم تعادل بالقوه و هم خود عدم تعادل هردو از ایمپالس‌ها ساخته می‌شوند، خواه ایمپالس‌های صعودی یا نزولی.

[1] ایمپالس: حرکات ناگهانی و نسبتا بزرگ قیمت

هر عدم تعادل از یک ایمپالس ساخته شده است، اما همه‌ی ایمپالس‌ها لزوما به یک عدم‌تعادل تبدیل نمی‌شوند.

به همین دلیل، همه‌ی ایمپالس‌ها تا زمانی‌که دستاورد یا نتیجه‌ای accomplishment در پی نداشته باشند همچنان به عنوان یک عدم تعادل بالقوه تلقی می‌شوند (نه به‌عنوان یک عدم‌تعادل).

این دستاوردها accomplishment بسیار ساده هستند:

۱. یک عدم‌تعادل بالقوه باید یک عدم تعادل مخالف را حذف بکند. و /یا
۲. یک عدم‌تعادل بالقوه درصورتی ایجاد می‌شود که قیمت یک خطروند را با یک یا چند کندل قوی (OCHL Candle) بطور کامل بشکند. این خطروند بایستی دو قله/دره ی اخیر یا حداقل ۳ الگوی ادامه دهنده ی متوالی (یا بیشتر) را به هم وصل کرده باشد.

هردو این سناریوها می‌تواند همزمان با هم اتفاق بیافتد و به همین دلیل است که من از عبارت "و /یا" در قانون‌های بالا استفاده کرده‌ام. به محض آن‌که تنها یکی از این شرایط مشاهده شود آنگاه عدم‌تعادل تایید خواهد شد.

لطفا توجه داشته باشید که در درس آینده خواهید آموخت که چگونه خطوط روند معتبر رسم کنید، که این موضوع شما را در رابطه با شرط شماره ۲ یاری خواهد کرد.

- عدم‌تعادلی که یک ناحیه مخالف را حذف کرده باشد نسبت به عدم‌تعادلی که تنها یک خطروند را شکسته باشد قدرتمندتر است.
- عدم‌تعادلی که هم یک ناحیه مخالف را حذف کرده باشد و هم یک خطروند را شکسته باشد نسبت به عدم‌تعادلی که فقط یک خطروند را شکسته قدرتمندتر است.

عدم‌تعادل‌ها به طریق زیر می‌توانند باهم تفاوت داشته باشند:

- **دارای پتانسیل/بالقوه (قله/درّه، الگوی ادامه‌دهنده):** همه‌ی این‌ها عدم‌تعادل‌های بالقوه هستند، نه چیزی بیش‌تر و نه چیزی کم‌تر، در واقع نشان‌دهنده‌ی محدوده‌ای هستند که شما می‌توانید نواحی بالقوه موردنظر خود را در آن‌جا رسم کنید.
- **ناحیه عرضه و تقاضای تاییدشده:** عدم‌تعادلی که یک خطروند را شکسته یا یک ناحیه مخالف را حذف کرده، عدم‌تعادل تایید شده محسوب می‌شود اما همچنان تحلیل بالا به پایین (تحلیل مولتی تایم فریم) و امتیازدهی موردنیاز است.
- **ناحیه عرضه و تقاضای قابل معامله:** یک عدم‌تعادل تاییدشده زمانی‌که امتیازدهی شود قابل معامله خواهد بود، این موضوع شامل تحلیل مولتی تایم فریم و قانون هم راستا بودن (Realignment) می‌باشد.

۱. یک عدم‌تعادل مخالف را حذف کرده باشد:

این خیلی مهم است که این قاعده را خوب متوجه بشوید زیرا این قاعده قانون اصلی متدولوژی Set & Forget می‌باشد. اجازه بدهید از یک مثال که به شما برای درک بهتر این مفهوم کلیدی کمک می‌کند استفاده کنیم.

یک عدم‌تعادل را مانند دو مشت‌زن با وزن متوسط که در یک رینگ مشت‌زنی درحال مبارزه هستند تصور کنید. مبارزه آغاز می‌شود، کدام‌یک پیروز می‌شود؟ مشت‌زنی که ۱۰ بار به سر حریفش مشت می‌زند یا مشت‌زنی که در مدت ۱۰ ثانیه (یا بیشتر) حریفش را ناک اوت می‌کند؟ مسلما آن کسی که حریفش را ناک اوت می‌کند.

نواحی عرضه و تقاضای با احتمال موفقیت بالا نیز به همین شکل عمل می‌کنند، تنها زمانی که تقاضا (مشت‌زن شماره ۱) عرضه (مشت‌زن شماره ۲) را ناک اوت کند، آنگاه می‌توانیم آن ناحیه تقاضا را به عنوان یک ناحیه معتبر قلمداد کنیم. چرا؟ زیرا قدرت خرید عدم تعادل توانسته بر قدرت فروش عرضه غلبه کند. این بازی قدرت است، کسی برنده میشود که شانس بیشتری برای ماندن دارد بخصوص اگر روند هم هم‌جهت با آن باشد.

* اکنون تصور کنید که مشت‌زن میان‌وزن شماره ۱ (ناحیه عدم‌تعادل روزانه) با مشت‌زن سنگین‌وزن شماره ۲ (ناحیه عرضه/تقاضای هفتگی) مبارزه می‌کند، حال نظر شما در مورد مشت‌زن شماره ۱ چیست؟ او باید به اندازه‌ی کافی سخت و قدرتمند باشد، وگرنه قادر نخواهد بود تا مشت‌زن سنگین‌وزن را ناک اوت کند.

یک نکته‌ی مهم در مورد این اصل:

- ساختن Higher High یا Lower Low توسط قیمت باعث معتبر شدن یک ناحیه نمی‌شود. یک عدم تعادل همچنین نیاز دارد تا یک ناحیه مخالف را نیز حذف کند، وگرنه فقط یک سری High و Low ها ست بدون آنکه ناحیه‌های مخالفی برای حذف کردن وجود داشته باشد.
- ناحیه‌ای که حذف شده درون یک ناحیه مخالف در تایم فریم بالاتر قرار داشته باشد. فرض کنید که در تایم ۴ ساعته یک ناحیه تقاضا داریم که توانسته یک ناحیه عرضه را در همین تایم فریم حذف کند اما این ناحیه عرضه ۴ ساعته خودش درون یک ناحیه عرضه روزانه یا درون یک ناحیه عرضه در تایم فریم بالاتری قرار دارد، صرفا حذف یک ناحیه تقاضا باعث نمی‌شود که این ناحیه تقاضا قابل‌معامله گردد، بلکه این ناحیه (تقاضای ۴ ساعته) راه زیادی باید طی کند و لازمست ناحیه عرضه روزانه را نیز حذف نماید .همین مسئله برای زمانی که یک ناحیه تقاضای روزانه یک ناحیه عرضه‌ی روزانه مخالف را حذف کرده اما این ناحیه عرضه خودش درون یک ناحیه عرضه‌ی هفتگی قرار گرفته نیز صدق می‌کند. قیمت ماهیت فراکتال دارد، یعنی همان قوانین یکسان برای همه‌ی تایم فریم‌ها و sequenceها صدق میکند. (منظور از دنباله‌ای از تایم فریم‌ها، به‌عنوان مثال ترکیب تایم فریم‌های روزانه، ۴ ساعته، ۱ ساعته، و یا ترکیب تایم فریم‌های ماهانه، هفتگی و روزانه است.)

شاخص FOOTSIE UK 100

درشکل زیر ناحیه عرضه‌ی هفتگی که با شماره ۱ مشخص شده توسط ناحیه تقاضای هفتگی که با شماره ۳ مشخص شده و به‌وسیله‌ی چند تیک که با شماره ۲ مشخص شده، حذف شده است.



عدم‌تعادل‌ها می‌تواند به‌وسیله‌ی حتی ۱ پیپ یا تیک که عدم‌تعادل‌های مخالف را می‌سازند حذف شوند و کنار گذاشته شوند.



۲. عدم تعادل بالقوه یک خطروند را به‌وسیله‌ی یک کندل کامل (OHCL) شکسته باشد:

یک عدم‌تعادل (ناحیه عرضه/تقاضای بالقوه) اگر با یک یا چند کندل کامل (OHCL) یک خط روند را بشکند به عنوان یک ناحیه عرضه یا تقاضای معتبر موردتایید قرار می‌گیرد. تمام مفهومی که کندل OHCL دارد این است که برای شکسته شدن خط روند باید تمام قسمت‌های کندل در سمت دیگر خط روند قرار گیرد، بدون آنکه خط روند را لمس کرده باشد. تمام اجزا آن، نه اینکه بعضی از قسمت‌ها در یک سمت خط و همزمان قسمت‌های دیگر آن در سمت دیگر خط روند قرار گرفته باشند.

برای آن‌که یک عدم‌تعادل که یک خطروند را به‌وسیله‌ی یک کندل کامل (OHCL) شکسته است معتبر باشد به یک ناحیه مخالف که حذف شده باشد نیازی نخواهد بود.

اجازه دهید برای روشن شدن این سناریو از یک مثال استفاده کنیم. فرض کنید قیمت به سمت پایین حرکت کرده است و نواحی عرضه‌ای را ایجاد کرده است و در همین‌حال نواحی تقاضایی را نیز حذف کرده است، در این حالت با ترسیم یک خط روند نزولی یک روند نزولی خواهیم داشت *(که در درس بعدی خواهید آموخت).*

اگر به هردلیلی، خواه برای ما شناخته شده باشد یا ناشناخته باشد، قیمت این خط روند را بشکند این بدین معناست که "چیزی" در پویایی بازار تغییر کرده است وگرنه این شکست خط روند اتفاق نمی‌افتاد. در این مثال "چیزی" به این معناست که فروشندگان در حال از دست دادن قدرت خود هستند، و قیمت به دلیلی که برای ما مشخص نیست یک رالی را شروع کرده است. چرا این اتفاق رخ می‌دهد؟ ما نمی‌دانیم و نیازی هم نیست که بدانیم. این می‌تواند به این خاطر باشد که فروشندگان سود خود را گرفته‌اند و خارج شده‌اند یا آن‌که خریداران در نتیجه یک سری اخبار و وقایع قیمت‌ها را جذاب دیده‌اند. اگر که خط روند شکسته شود یک ناحیه تقاضای تاییدشده‌ی جدید شکل گرفته‌است. و اگر که همین سناریو در یک روند صعودی اتفاق بیافتد یک ناحیه‌ی عرضه‌ی جدید شکل خواهد گرفت.

یک شکست خط روند معمولا زمانی اتفاق می‌افتد که یک ناحیه عرضه یا تقاضای مربوط به تایم فریم بالاتر برای مرتبه اول یا حتی برای مرتبه دوم تست شده باشد، و به همین دلیل است که در مواجه با نواحی تایم فریم‌های بالاتر تا زمانی که حذف نشده باشند وارد معامله نمی‌شویم.

بنابراین قوانین این‌ها هستند:

- وقتی که یک خط روند شکسته می‌شود، عدم‌تعادلی که موجب شکست آن خط روند شده است به‌طورخودکار به‌عنوان یک ناحیه عرضه/تقاضای معتبر درنظر گرفته می‌شود، حتی اگر یک سطح مخالف حذف نشده باشد. آیا به‌طورخودکار یک ناحیه قابل‌معامله نیز خواهد بود؟ خیر! بلکه تنها با استفاده از مفاهیم آموزشی که در درس‌های آینده تدریس می‌شود مثل "تحلیل مولتی تایم فریم"، قواعد مربوط به (Sequence[۲]) و (Realignment) و قواعد معامله‌پذیری، آن ناحیه قابل‌معامله خواهد بود.

۲. توالی قیمتی: یعنی قیمت در سه تایم فریم فراکتالی

- * این سطح جدید تا زمانی‌که یک ناحیه مخالف در تایم فریم بالاتر تست نشده باشد و کنترل را در دست نگرفته باشد قابل معامله خواهد بود. به این معنا که، اگر مثلا یک خط روند صعودی در تایم فریم هفتگی شکسته شده باشد و یک الگوی انگولفینگ (Engulfing) نزولی به عنوان ناحیه عرضه مورد تایید قرار گرفته باشد (این الگوی نزولی خط روند را شکسته است) این ناحیه عرضه جدید تا زمانی قابل‌معامله خواهد بود که یک ناحیه تقاضای ماهانه کنترل را در دست نگرفته باشد.
- * **سطحی که پس از شکست خط روند ایجاد می‌شود تا زمانی معتبر است که قیمت به یک سطح مخالف نرسیده باشد و آن سطح بدون آنکه حذف شود کنترل را در دست داشته باشد.**

* عدم‌تعادل‌های بالقوه به عنوان نواحی معتبر درنظرگرفته نمی‌شـــوند، ما برای ترید کردن به دنبال نواحی عرضـــه و تقاضـــای واقعی هســـتیم نه فقط نواحی بالقوه‌ای که با قوانین ۱# و ۲# مطابقت نداشته باشند.

حیات یک عدم تعادل بالقوه

عدم تعادل‌های عر ضه و تقا ضا از ایمپالس‌ها ساخته شده‌اند اما همه‌ی ایمپالس‌ها به عدم‌تعادل‌ها تبدیل نمی‌شوند.

هر ایمپالسی به عنوان یک ناحیه بالقوه درنظر گرفته می‌شود مگر آنکه accomplishment دهد مثل:

۱) شکست خط روند،

۲) حذف ناحیه مخالف،

۳) تشکیل High ها و Low ها ی جدید و خروج با قدرت (حرکت شارپ) یک ناحیه بالقوه (عرضه یا تقاضا) جایی است که در آن قیمت در یک تعادل نسبی به سر می‌برد، یا به عبارتی ناحیه‌ای است که در آن قیمت حرکت رِنج انجام می‌دهد، یعنی در یک محدوده مشخص به سمت بالا و پایین حرکت می‌کند.

- وقتی که قیمت از این ناحیه بالقوه (ناحیه رِنج) خارج شـود و یک دسـتاوردی بدسـت آورد، (این دستاورد می‌تواند شکست یک خط روند به همراه خروج با قدرت(حرکت شارپ) و یا شکست یک ناحیه مخالف به همراه خروج با قدرت(حرکت شارپ) در این صورت یک عدم‌تعادل خواهیم داشت، **یک ناحیه معتبر**. این عدم‌تعادل می‌تواند بخاطر سفارشات یک‌طرفه‌ی بسیاری باشد که به مارکت وارد شده و قیمت را به سمت بالا یا پایین حرکت داده است، یا می‌تواند بخاطر این باشد که طرف دیگر مارکت سفارش‌های مخالفش را برداشته است، و یا هردو این‌ها.
- وقتی که قیمت بدلیل پویایی جریان سفارشات یک ناحیه تقاضا را ترک می‌کند سفارشات تقاضا همچنان در همان ناحیه باقی خواهد ماند. بخصـــوص اگر آن ناحیه یک ناحیه قابل‌معامله *(۲:۱ وغیره ، درس امتیازدهی توضیحات بیشتری دراین مورد دارد)* هم باشد سفارشات زیادی از لحاظ تئوری در آن ناحیه وجود خواهد داشـــت. وقتی که در آینده قیمت مجددا به همان ناحیه بر می‌گردد (به عنوان ناحیه عرضـــه بالقوه) باید بر این ناحیه که اکنون یک ناحیه مخالف محســـوب می‌شود غلبه کند تا اینکه این ناحیه را کاملا بشکند و به یک ناحیه عرضه معتبر تبدیل شود.

- اولین باری که قیمت به یک ناحیه خوب برخورد می‌کند احتمالا نمی‌تواند از آن ناحیه عبور کند(برگردانده میشود) این بخاطر سفارشات درانتظاری است که در بالا توضیح داده شد و همچنین بخاطر این است که معامله‌گران در اینجا وارد مارکت می‌شوند. این دانش برای پایه‌گذاری ستاپ‌های معاملاتی مختلفی استفاده شده است. گاهی اوقات قیمت چندین مرتبه به یک ناحیه برخورد می‌کند، و هر بار بیشتر در آن ناحیه نفوذ می‌کند اما موفق نمی‌شود تا از آن عبور کند یا آن را کاملا حذف کند. اگر مهاجمین فضایی را دیده باشید این هم مثل آن است که بیس شما تحت حمله قرار گرفته و هر بار کوچک و کوچکتر میشود.
- وقتی که قیمت کاملا به داخل یک ناحیه نفوذ کند، حتی فقط با یک پیپ یا بیشتر، آنگاه آن ناحیه به عنوان یک ناحیه حذف شده در نظر گرفته می‌شود. این بدین معناست که سفارشات مخالف کاملا مصرف شده‌اند. و اکنون یک ناحیه عرضه جدید خواهیم داشت.

چارت هفتگی AUDUSD

- در شکل زیر در مستطیل شماره ۱ یک ناحیه تقاضای هفتگی داریم که پس از شکست خط روند نزولی که دو قله آخر را به هم وصل کرده است شکل گرفته است.
- در مستطیل‌های شماره ۲ و ۳ عدم‌تعادل‌های هفتگی را داریم که با شکست خط روندهای قبلی که دو قله و دو درّه آخر را به هم وصل کرده‌اند ایجاد شده‌اند.



چارت روزانه EURUSD

در شکل زیر در مستطیل شماره ۱ ناحیه تقاضای روزانه را داریم که پس از آن‌که خط روند نزولی شکسته، شکل گرفته است. و در مستطیل شماره ۲ ناحیه عرضه‌ی روزانه را داریم که موجب شکست خط روند صعودی و همینطور موجب حذف ناحیه تقاضای روزانه در مستطیل شماره ۱ شده است.



نواحی قابل‌معامله درمقایسه با نواحی غیرقابل‌معامله

یک ناحیه معتبر در هر تایم فریمی تنها در صورتی قابل‌معامله خواهد بود که با تحلیل مولتی تایم فریم و قوانین (Sequence) مطابقت داشته باشد.

- یک ناحیه تقاضای ۴ ساعته که یک ناحیه عرضه‌ی ۴ ساعته را حذف کرده است در صورتی معتبر خواهد بود که از قوانین Sequence پیروی کند. ما همواره در مورد ستاپ‌های با احتمال زیاد صحبت می‌کنیم.
- اگر این ناحیه تقاضای ۴ ساعته معتبر تحت یک ناحیه عرضه‌ی روزانه‌ی معتبر و یک ناحیه عرضه‌ی هفتگی شکل گرفته باشد، به همراه یک روند هفتگی نزولی. فکر می‌کنید برای این ناحیه تقاضای ۴ ساعته کوچک که درمقابل ناحیه عرضه هفتگی/ماهانه و در روند نزولی قرار دارد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ مسلما شانس خیلی کمی خواهد داشت و به احتمال زیاد به راحتی حذف خواهد شد.
- اگر که شکست خط روند زمانی اتفاق بیافتد که ناحیه تایم فریم بالاتر کنترل را به دست بیاورد آنگاه این عدم‌تعدل جدید به عنوان یک (WoW Trade) درنظرگرفته می‌شود.

یک عدم‌تعادل بالقوه جدید زمانی که ناحیه مخالف حذف شده باشد، شکل می‌گیرد.

در شکل زیر که چارت یک سهام می‌باشد، ناحیه‌ی تقاضای هفتگی جدید پس از حذف ناحیه‌ی عرضه‌ی هفتگی مخالف شکل گرفته است.





یک عدم‌تعادل جدید زمانی که یک خط روند شکسته شده باشد باشد شکل می‌گیرد

- اگر یک عدم‌تعادل جدید بتواند با حداقل یک کندل کامل (OHCL) یک خط روند را بشکند، آنگاه به‌طورخودکار به عنوان یک ناحیه جدید در نظرگرفته خواهد شد.
- منظور از کندل OHCL این است که وقتی یک خط روند شکسته می‌شود باید تمام قسمت‌های کندل در سمت دیگر خط روند قرار گیرد، بدون آنکه خط روند را لمس کرده باشد. تمام اجزا آن، نه اینکه بعضی از قسمت‌ها در یک سمت خط و هم‌زمان قسمت‌های دیگر آن در سمت دیگر خط روند قرار گرفته باشند.
- اگر که این شکست خط روند زمانی اتفاق بیافتد که ناحیه تایم فریم بالاتر کنترل را به دست بیاورد آنگاه این عدم‌تعدل جدید به عنوان یک (WoW Trade) درنظرگرفته می‌شود.
- اگر قیمت به یک ناحیه تایم فریم بالاتر نسبت به تایم فریم ورودمان برخورد کرده باشد آنگاه دیگر به حذف ناحیه مخالف نیازی نخواهد بود.

ناحیه تقاضای ماهانه در چارت سهام APPLE

درشکل زیر پس از آن‌که خط روند نزولی توسط یک یا چند کندل کامل (OHCL) شکسته شده و قیمت نیز با قدرت خارج شده است یک ناحیه تقاضای ماهانه جدید شکل گرفته است. شش کندلی که درون دایره شماره ۲ قرار گرفته‌اند مربوط به خروج با قدرت قیمت هستند که برای تایید ناحیه تقاضای ماهانه که با مستطیل شماره ۱ مشخص شده ضروری هستند.



چارت روزانه EURUSD

پس از آن‌که خط روند نزولی که با شماره ۳ مشخص شده است توسط حداقل یک کندل OHCL (کندلهای داخل دایره ۵) شکسته شده است، ناحیه‌ی تقاضای روزانه که با مستطیل شماره ۱ مشخص شده شکل گرفته است. و همچنین ناحیه عرضه شماره ۲ زمانی شکل گرفته که حداقل یک کندل OHCL بیرون خط روند شماره ۴ بسته شده است. کندل‌هایی که درون دایره شماره ۶ قرار گرفته‌اند و همینطور کندل‌هایی که پایین‌تر ایجاد شده‌اند همه کندل‌های OHCL هستند که برای تایید ناحیه عرضه ضروری هستند. ناحیه عرضه شماره ۲ همچنین مسئول حذف کردن ناحیه تقاضای شماره ۱ نیز هست.



اعتبار عدم‌تعادل‌های بالقوه در High و Low های جدیدی که ایجاد میکند.

گاهی از اوقات هیچ ناحیه مخالفی برای حذف کردن وجود ندارد زیرا قیمت همواره در حال ساختن High و Low هاست. در این شرایط عدم‌تعادل‌های بالقوه امتیاز بالایی بدست می‌آورند(در درس امتیازدهی شرح داده شده) و بطورخودکار به عدم‌تعادل‌های تایید شده تبدیل می‌شوند.

به خاطر داشــته باشــید برای آن‌که یک حرکت ایمپاس به یک عدم‌تعادل تبدیل شــود باید حتما خروج با قدرت اتفاق افتاده باشد.

- خروج با قدرت با حداقل یک کندل کامل OHCL. خروج با قدرت ضروری می‌باشد زیرا در غیراین‌صورت حرکت ایمپالس به عنوان یک تعادل در نظر گرفته می‌شود نه یک عدم تعادل.

امتیازدهی برای تایید اعتبار عدم‌تعادل‌های بالقوه بســیار مهم اســت. برای ترید کردن عدم‌تعادل‌های تایید شده در زمان‌هایی که قیمت همیشه High و Low می‌سازد باید به خصوصیات زیر توجه کرد:

- **یک عدم‌تعادل حداقلی ۲:۱**، هرچه این نسبت از ۲ بیشتر باشد بهتر است.
- **یک ناحیه Base خوب**. نواحی Base که در آن کندل‌ها ســایه‌های خیلی بلندی دارند یا تعداد

کندل‌ها در آن خیلی زیاد است مناسب نیستند.

- **به نحوه بسته شدن کندل‌ها در چارت ماهانه و هفتگی توجه کنید.** حرفه‌ای‌ها به شکار در High و Low ها بسیار علاقه‌مند هستند زیرا آن‌ها می‌دانند که تریدرهای بسیاری در شکست‌ها (breakout) ترید خود را انجام می‌دهند. این تریدرها (بریک اوت تریدر)همان چیزی هستند که آنها میخواهند تا بتوانند سفارشات موسسات که در تاریکی کمین کرده اندرا با آن پر کنند. ایده‌آل ترین حالت این است که همواره برای حداقل یک عدم‌تعادل هفتگی یا ماهانه جدید که در بالای همه‌ی High ها یا Low ها بسته شده باشد صبر کنیم.

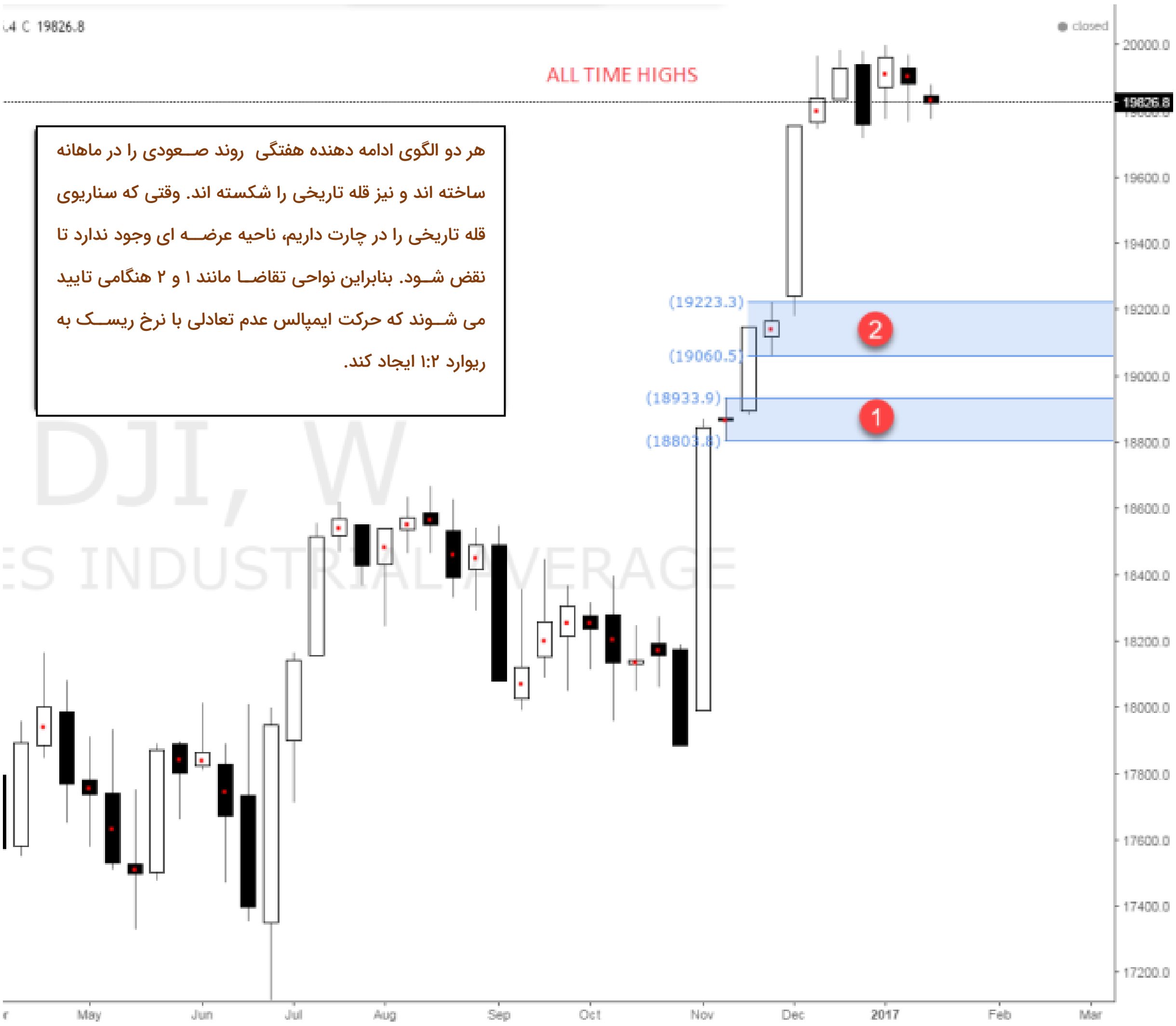
سناریو High های قیمتی در چارت هفتگی سهام ALTRIA

در شکل زیر یک چارت سهام را کهHigh های جدید ساخته مشاهده می‌کنید، دراین‌جا یک ناحیه تقاضای هفتگی مورد تایید داریم که پس از شکل‌گیری یک عدم‌تعادل ۲:۱ و همینطور خروج با قدرت توسط یک کندل OHCL که با دایره شماره ۲ مشخص شده است. زمانی که کندل هفتگی که با دایره شماره ۲ مشخص شده در روز جمعه کلوز می‌شود، ناحیه تقاضای هفتگی که با مستطیل شماره ۱ مشخص شده تایید می‌شود و به‌عنوان یک ناحیه تقاضای معتبر قابل‌معامله خواهد بود.



سناریو High های قیمتی در چارت هفتگی شاخص DOW JONES

هردو الگوی ادامه‌دهنده هفتگی (رالی بیس رالی یا pause) در نتیجه یک روند صعودی ماهانه و شکستن high های قبلی به‌وجود می‌آیند. در سناریوهایی که در آن‌ها قیمت همواره high های قیمتی می‌سازد ناحیه عرضه‌ای وجود نخواهد داشت که بخواهد حذف شود، و نواحی تقاضا به محض آن‌که قیمت با حرکت‌های جدید با قدرت خارج شـود و یک عدم تعادل حداقل ۲:۱ را ایجاد کند تایید خواهند شـد. مانند آن‌چه که در شکل زیر و در مستطیل‌های شماره ۱ و ۲ مشاهده می‌کنید.



High های قیمتی در چارت هفتگی شاخص UK FOOTSIE

در شکل زیر ناحیه عرضه هفتگی که با مستطیل شماره ۱ مشخص شده توسط ناحیه تقاضای هفتگی شماره ۲ و به‌وسیله‌ی چند تیک که با دایره شماره ۴ مشخص شده حذف شده است، ناحیه تقاضای هفتگی شماره ۲ به‌وسیله‌ی چند کندل کامل OHCL با قدرت خارج شده و تا ناحیه عرضه پیش رفته و سپس مجددا به ناحیه تقاضای شماره ۲ بازگشته است.

این یک سناریو جدیدترین/بالاترین High است زیرا در بالای دایره شماره ۴ هیچ ناحیه عرضه‌ای برای حذف کردن وجود ندارد و بنابراین ناحیه تقاضای هفتگی که با مستطیل شماره ۳ مشخص شده پس از آن‌که یک عدم‌تعادل ۲:۱ را ایجاد می کند و با قدرت خارج شود معتبر خواهد بود.

